

به نام خدا

برنامه ریزی درسی برای دانش آموزان

مؤلف :

مهوش عزیزى كوكوئى

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: عزیزی کوکوئی، مهوش، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور: برنامه‌ریزی درسی برای دانش‌آموزان / مولف مهوش عزیزی کوکوئی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۰۳ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۲۹۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۳.
موضوع: برنامه‌ریزی درسی
موفقیت تحصیلی -- برنامه‌ریزی
رده‌بندی کنگره: LB۱۰۲۷/۴
رده‌بندی دیویی: ۳۷۱/۳۰۲۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۷۸۱۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

Lesson planning

Academic achievement -- Planning

نام کتاب: برنامه‌ریزی درسی برای دانش‌آموزان
مولف: مهوش عزیزی کوکوئی
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۸۴۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۲۹۵-۵

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| برنامه ریزی درسی چیست؟ | ۷ |
| تعریف عملیاتی از برنامه ریزی درسی (قلمروهای برنامه ریزی درسی) | ۷ |
| تعریف برنامه ریزی درسی و برنامه ریزی آموزشی | ۸ |
| وجه مشترک میان یک برنامه آموزشی و یک برنامه درسی: | ۹ |
| وجود تمایز میان یک برنامه آموزشی و یک برنامه درسی: | ۱۰ |
| چگونگی ایجاد ارتباط میان هدفهای برنامه آموزشی و برنامه درسی: | ۱۰ |
| برنامه ریزی درسی چیست؟ | ۱۱ |
| انواع برنامه درسی از دیدگاه پوزنر: | ۱۱ |
| بررسی انواع گونه های تربیتی | ۱۲ |
| ۱. تربیت اعتقادی | ۱۲ |
| ۲. تربیت اجتماعی | ۱۳ |
| ۳. تربیت اقتصادی | ۱۳ |
| ۴. تربیت عبادی | ۱۴ |
| ۵. تربیت سیاسی | ۱۴ |
| ۶. تربیت عقلانی | ۱۵ |
| ۷. تربیت بدنی | ۱۶ |
| ۸. تربیت اخلاقی | ۱۶ |
| تعریف عملیاتی از برنامه ریزی درسی (قلمروهای برنامه ریزی درسی) | ۱۷ |
| ۴- تغییر برنامه ی درسی: | ۲۰ |
| ۵- تاریخ برنامه ی درسی: | ۲۱ |
| ۶- تحقیق در برنامه درسی: | ۲۲ |
| طراحی برنامه درسی چیست و مهمترین الگوهای طراحی برنامه درسی کدامند؟ | ۲۳ |
| الگوهای طراحی برنامه درسی | ۲۴ |
| الف) طرح های موضوع محور | ۲۴ |

| | | |
|----|-------|--|
| ۲۵ | | ب) طرح های یادگیرنده محور |
| ۲۵ | | ج) طرح های مسئله محور |
| ۲۶ | | تعریف و حدود و ثغور برنامه درسی : |
| ۲۶ | | بر این اساس در تعریف سنتی از برنامه درسی داریم : |
| ۲۷ | | عناصر یا اجزای برنامه درسی در تعریف سنتی : |
| ۲۷ | | تعریف برنامه درسی از نظر مربیان پیشرفت گرا : |
| ۲۷ | | تفاوت دو تعریف سنتی و پیشرفت گرا : |
| ۲۸ | | تعریف ارائه شده توسط آیزنر در جهت تلفیق تعاریف سنتی و پیشرفت گرا : |
| ۲۸ | | ۴ ویژگی در تعریف آیزنر از برنامه درسی : |
| ۲۹ | | برنامه درسی؛ نقشه راه برای دستیابی به اهداف آموزش و یادگیری |
| ۳۰ | | تفاوت برنامه ریزی درسی و برنامه ریزی آموزشی |
| ۳۱ | | مقایسه برنامه ریزی آموزشی و درسی: |
| ۳۲ | | انواع برنامه های درسی |
| ۳۲ | | برنامه درسی صریح یا رسمی |
| ۳۳ | | برنامه درسی آشکار |
| ۳۴ | | برنامه درسی انتخابی یا اختیاری |
| ۳۴ | | برنامه درسی پنهان |
| ۳۵ | | برنامه درسی مغفول |
| ۳۵ | | برنامه ریزی انتخابی |
| ۳۵ | | وجه مشترک برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی: |
| ۳۶ | | مفاهیم موجود در برنامه ریزی: |
| ۳۶ | | ۱- مفهوم جریان و مداومت |
| ۳۷ | | ۲- مفهوم تفکر و عقلانیت در برنامه ریزی: |
| ۳۷ | | ۳- مفهوم آینده نگری و هدف گیری در برنامه ریزی |
| ۳۷ | | ۴- مفهوم ارشاد و هدایت |
| ۳۸ | | برنامه درسی: |
| ۳۸ | | تعریف برنامه ریزی آموزشی |

- ماهیت برنامه ریزی درسی : ۳۹
- مفهوم برنامه درسی: ۳۹
- برنامه درسی به عنوان یک طرح ۴۰
- تاریخچه برنامه ریزی درسی ۴۰
- ارکان برنامه درسی ۴۱
- مراحل برنامه ریزی: ۴۱
- سه نظام اجرای برنامه درسی : ۴۲
- مزایای نظامهای متمرکز : ۴۳
- معایب عدم تمرکز: ۴۵
- پوشش تعداد کمتری از فراگیران ۴۶
- مزایای عدم تمرکز: ۴۶
- وضعیت برنامه درسی ایران: ۴۷
- مراحل برنامه ریزی درسی: ۴۸
- چگونه می توان تجارب و فعالیتهای یادگیری را برای آموزش مؤثر سازمان داد؟ ۴۹
- ملاک ها و معیارهای انتخاب محتوا از نظر آیزنر: ۴۹
- اصول حاکم بر انتخاب و ارائه محتوا: ۵۰
- معیارهای سازمان دهی محتوا کدام است ؟ ۵۰
- توالی در سازمان دهی محتوا دارای ۵ اصل است که عبارتند از : ۵۰
- منابع اطلاعات مورد لزوم برای برنامه ریزی درسی : ۵۱
- منابع فرعی: ۵۱
- تعریف برنامه درسی: ۵۲
- مفهوم برنامه درسی: ۵۲
- تعاریف برنامه درسی: ۵۲
- مبانی روانشناختی برنامه ریزی درسی ۵۳
- آموزش و یادگیری با یکدیگر در تعامل بوده و روان شناسی ارتباط این دو را برقرار ۵۶
- رفتار گرایان دو نظریه شرطی سازی کلاسیک و عاملی را ارایه کرده اند: ۵۸
- مبانی روانشناختی برنامه ریزی درسی ۶۴

| | |
|----------|---|
| ۷۵..... | اثرگذاری جامعه در طراحی برنامه درسی |
| ۷۷..... | نهادهای اجتماعی |
| ۸۱..... | تغییرات اجتماعی |
| ۸۲..... | نظریه های یادگیری |
| ۸۲..... | نظریه های رفتاری |
| ۸۴..... | ج. نظریه شرطی سازی کنش گر |
| ۸۵..... | نظریه های شناختی |
| ۸۷..... | ب. نظریه یادگیری معنی دار کلامی |
| ۸۹..... | یادگیری و نظریه های یادگیری |
| ۹۰..... | نظریه های یادگیری: |
| ۹۱..... | مهم ترین نظریه های شناختی: |
| ۹۳..... | یادگیری از دیدگاه گشتالت: |
| ۹۳..... | نقش بینش |
| ۹۴..... | ارتباط رفتار با یادگیری |
| ۹۵..... | یادگیری و حل مسأله: |
| ۹۵..... | نظریه ی میدان شناختی (کرت لوین)..... |
| ۹۶..... | نظریه ی شناخت شناسی تکوینی (ژان پیاژه)..... |
| ۹۶..... | نظریه ی یادگیری اکتشافی (برونر)..... |
| ۹۷..... | نقش فلسفه در برنامه درسی |
| ۹۸..... | فعالیت های تربیتی و فلسفه: |
| ۹۹..... | ارتباط برنامه درسی با فلسفه |
| ۱۰۰..... | اصول فلسفی برنامه درسی |
| ۱۰۳..... | منابع: |

برنامه ریزی درسی چیست؟

تعریف برنامه ریزی درسی: برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است.

برنامه ریزی درسی از لحاظ مفهومی اشاره به یک فرایند دارد که حاصل یا نتیجه ی آن برنامه ی درسی است. واژه ی برنامه درسی به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر دست یابند.

تعریف عملیاتی از برنامه ریزی درسی (قلمروهای برنامه ریزی

درسی)

به طور کلی برنامه ریزی درسی به آن حوزه علمی اشاره می کند که مشتمل بر قلمروهای زیر است:

۱- مبانی برنامه ریزی درسی: منظور از مبانی برنامه ریزی درسی آن دسته از نیروهای بنیادی و اساسی است که بر برنامه های درسی، اهداف و محتوای آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه ریزی درسی از آن تحت عنوان عوامل تعیین کننده برنامه درسی نام برده می شود.

الف) مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی: منظور از مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف برنامه درسی و تعیین

وسایل و ملزومات اثر می گذارد. فلسفه ی مسلط اجتماعی د رحقیقت جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت است.

فلسفه ی تعلیم و تربیت اعتقاد برنامه ریز به یکی از مکاتب فلسفی ذیربط، به شدت جهت گیری برنامه درسی را متفاوت می سازد. مبانی فلسفی، نقش پالایشگری اهداف و مقاصد برنامه درسی را نیز برعهده دارد.

ب) مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه ریزی درسی: فلسفه ی اصلی تأسیس مدارس و پاگیری نظام آموزش مدرسه ای د رگسترده ترین برداشت خود عبارت است انتقال، توسعه و بهسازی میراث فرهنگی، بنابراین بدیهی است که ارزش های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اثر قاطعی بر برنامه های درسی و فرایند تدوین آن ها داشته باشد. ارزش های اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان پالایشگر اهداف و مقاصد برنامه درسی، نقش مهمی را در فرایند برنامه ریزی ایفا می نمایند و هم از اینروست که مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه ریزی درسی یکی از قلمروهای مهم این رشته به شمار می رود.

ج) مبانی روانشناختی برنامه درسی: روانشناسی به عنوان یک رشته علمی، یافته ها و رهنمودهای بسیاری برای برنامه ریزان به ارمغان آورده است. د ربرنامه ریزی درسی، فرایند تدوین طرح و اجرای برنامه ها تا حد زیادی نیازمند کاربست یافته های روانشناسی است. اهداف و محتوای برنامه های درسی باید با توجه به میزان رشد ذهنی یادگیرندگان، مدت زمان لازم برای یادگیری و نیز با توجه به توانایی ها و محدودیت های افراد انسانی، متناسب با تفاوت های فردی و... استخراج و تنظیم گردند

تعریف برنامه ریزی درسی و برنامه ریزی آموزشی

برنامه درسی محصول برنامه ریزی درسی است. برنامه ریزی درسی curriculum planning یا curriculum development شامل سازماندهی یک سلسله فعالیتهای یاد دهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها ارزشیابی میزان

تحقق این تغییرات است. بنابراین فرایند برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی فعالیت ها و ارزشیابی می باشد و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب و محور آن یادگیرنده است. اما از نظر فیلیپ کومز، کارشناس برجسته یونسکو، برنامه ریزی آموزشی ((کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی در آموزش و پرورش به منظور افزایش کارایی)) است. یعنی کار برنامه ریز آموزشی، تحلیل نظام دار و منطقی مسائل و مشکلات آنی و آتی آموزش و پرورش و تلاش به منظور حل این مشکلات است. این اقدام نهایتاً بهره وری و کارایی نظام آموزشی را افزایش خواهد داد و محور آن نظام آموزشی تلقی می شود. برنامه ریزی آموزشی را می توان ((سازماندهی یا اصلاح فعالیت ها، تجهیز منابع و امکانات آموزشی برای تحقق بهتر اهداف آموزشی)) تعریف نمود. به عبارت دیگر:

برنامه درسی: عبارتند از ، یک سلسله وقایع آموزشی طراحی شده که به قصد نتایج آموزشی برای یک یا چند دانش آموز پیش بینی شده است. برنامه ریزی درسی (راهنما عمل)

برنامه آموزشی: فرآیند تشخیص وضعیت موجود و مطلوب ، تعیین اهداف نظام آموزشی ، سیاستگذاری ، تعیین شاخصها و رویه ها ، تخصیص منابع و امکانات ، نیروها ، بودجه و روش تحقق آن اهداف ، برنامه ریزی آموزشی نامیده می شود. برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)

وجه مشترک میان یک برنامه آموزشی و یک برنامه درسی:

۱- برنامه آموزشی و برنامه درسی هر دو دارای مبانی علمی مشترک هستند. یعنی هر دو دارای مبانی فلسفی، روانشناسی، اجتماعی، فرهنگی و ... هستند .

۲- برنامه آموزشی و درسی هر دو دارای مراحل طراحی و چرخه و فرآیند برنامه ریزی و عناصر مشترک هستند که فقط از نظر ماهیت اولی آموزشی ولی دومی درسی هستند.

۳- هر دو نوع برنامه تحت تأثیر عوامل و عناصر بیرونی و درونی از جمله چتر فلسفی حاکم بر جامعه مربوط هستند .

۴- همه فعالیت‌های یادگیری که در هر دو نوع برنامه ملحوظ شده و باید اجرا گردد از قبل طراحی و مدون و مصوب شده که در محدوده کلاس و خارج از مدرسه طبق برنامه مصوب اجرا گردد .

۵- هر دو نوع برنامه را می توان تحت نظام برنامه ریزی متمرکز یا نظام برنامه ریزی غیر متحرک طراحی و اجرا نمود .

وجود تمایز میان یک برنامه آموزشی و یک برنامه درسی:

۱- یک برنامه آموزشی یک کل است در صورتی که یک برنامه درسی یک جزء از یک برنامه آموزشی خاص می باشد.

۲- یک برنامه آموزشی بلند مدت شامل انواع برنامه های درسی مورد لزوم و انواع فعالیت‌های پرورشی مکمل است.

۳- یک برنامه آموزشی از نظر تقدم وجودی و وجوبی یک برنامه درسی مقدم است.

۴- عناصر برنامه را هر دو دارند ولی در یک برنامه آموزشی عناصر برنامه مانند هدف ، روش ، وسائل لزوماً آموزشی یا پرورشی است ولی عناصر یک برنامه درسی همگی ماهیتاً درسی بوده و با آموزش مرتبط هستند ولی تفاوت دارند.

چگونگی ایجاد ارتباط میان هدفهای برنامه آموزشی و برنامه درسی:

وقتی یک نظام آموزشی و پرورشی تئوریهها ، اصول یافته های علم برنامه ریزی رعایت شوند هم اجزا و عناصر و زیر مجموعه های آن با هم تناسب و همخوانی و هماهنگی لازم را خواهند داشت.

در کشور ما هنوز از تئوریهها ، اصول و یافته های این علم ثمر بخش و زیر بنایی استفاده چندانی نمی شود . در مقایسه کشورهای بخصوص کشورهای پیشرفته علمی و صنعتی برنامه ریزی آموزشی و درسی ، حتی در یک موضوع درس خاص مثل علوم اجتماعی با

علوم تجربی هماهنگی و انسجام و تداوم و سلسله مراتب در اهداف و محتوی وجود ندارند. (ولی بدون نظم و جایگاه صرفاً در کنار هم چیده و ارائه می شود). معمولاً ارتباط بین هدف ها در یک برنامه آموزشی و درسی در دو جهت ایجاد می گردند (الف) در جهت افقی : وقتی که بین هدف ها در یک مقطع تحصیلی ولی در دروس مختلف ارتباط و هماهنگی لازم را ایجاد نمائیم می گوییم بین هدفهای آموزشی و درسی ارتباطی عمودی برقرار شده است.

برنامه ریزی درسی چیست؟

تعریف برنامه ریزی درسی: برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. برنامه ریزی درسی از لحاظ مفهومی اشاره به یک فرایند دارد که حاصل یا نتیجه ی آن برنامه ی درسی است. واژه ی برنامه درسی به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر دست یابند.

انواع برنامه درسی از دیدگاه پوزنر :

برنامه درسی رسمی : برنامه درسی مکتوبی که در آن چارت ها ، فهرست و رئوس مطالب ، راهنمای برنامه درسی و فهرست هدفها به دقت تعریف شده باشد .

برنامه درسی تدریس شده (برنامه درسی آزمون شده) برنامه درسی آزمون شده نوعاً انطباق بین برنامه درسی رسمی و اجرایی در یک مدرسه است .

برنامه درسی پنهان : عمدتاً مورد تایید نیروهای برنامه رسمی مدرسه نیست اما می تواند نسبت به برنامه درسی رسمی یا اجرایی ، تاثیر عمیق تری بر دانش آموزان داشته باشد .

برنامه درسی پوچ : برنامه درسی خنثی یا عقیم : موضوعاتی که تدریس نمی شود و اینکه چرا این موضوعات نظیر : حقوق ، رانندگی ، نقشهای والدین و ... تدریس نمی

شود و می تواند به معلمان در فهم این مسئله یاری دهد که چه مفروضاتی زیر بنای برنامه درسی مدارس است؟ برنامه درسی پوچ شامل موضوعات تدریس نشده است. برنامه درسی فوق برنامه: شامل کلیه تجربیات برنامه ریزی شده ای است که از حیطه موضوعات درسی مدرسه خارج است.

بررسی انواع گونه های تربیتی

یکی از مهم ترین اهداف ارسال انبیای الهی تربیت انسان است. از آن روی که انسان دارای پیچیدگی های بسیاری است در مورد او گونه های متنوعی را در امر تربیت می توان تصور کرد. از همین روی لازم است مربیان (اعم از والدین، معلمان و مربیان) با هر کدام یک از این گونه های تربیتی به تفکیک آشنا شده و سعی در پرورش آن در متری خود داشته باشد.

۱. تربیت اعتقادی

از آن روی که خمیرمایه انسان بر اساس باورهایش شکل می گیرد، لازم است انسان باورهای درست را در ذهن خویش شکل بدهد. رسیدن به این باور نمی تواند از روی تقلید صورت بگیرد، بلکه در این نوع تربیت عقل به عنوان مهم ترین ابزار پا به عرصه می گذارد و این گونه تربیتی را شکل می دهد. تربیت اعتقادی به گونه ای می تواند پایه و اساس برای دیگر گونه های تربیتی باشد.

این نوع تربیت می تواند به اعمال درونی و بیرونی آدمی جهت دهد و گاه بر کمیت و کیفیت آن نیز بیفزاید. برخی بر این عقیده هستند که تربیت عقلانی مقدمه تربیت اعتقادی است و برخی دیگر این دو را یکی دانسته و قائل هستند، عقل به عنوان یک ابزار، در گونه تربیتی به کار گرفته می شود.

۲. تربیت اجتماعی

انسان موجودی است که بسیاری از ابعاد رشد روانی او در جامعه شکل می گیرد. از همین روی لازم است نوع زیستن درست با دیگران را یاد بگیرد، مهارت های ارتباط جمعی را بیاموزد. بیاموزد که با دیگران چگونه تعامل داشته باشد. این گونه تربیتی به دنبال آن است که به نوع انسان، نحوه زیستن را بیاموزد و به گونه ای او را جامعه پذیر نماید.

۳. تربیت اقتصادی

یکی از معضلاتی که امروزه جوانان ما در زندگی خود دارند این است که از نخست، اقتصادی زندگی کردن را یاد نگرفته اند. اقتصادی زندگی کردن به معنای کم خرج کردن نیست، بلکه به معنای درست خرج کردن و تعادل داشتن در امور مادی است. اگر این نوع از تربیت به خوبی شکل نگیرد، نهایت آن ناسپاسی نسبت به نعمت های خداست. چرا که با هر چقدر توان مالی ای که باشد، چون نمی داند چرا و چگونه خرج کند، به زودی آن سرمایه از بین می رود و پس از آن است که نعمت ها از او سلب شده و شخص منکر رحمت های الهی می شود.

متربی باید بیاموزد، چگونه مال حلال به دست بیاورد، چگونه کسب مال حلال اولویت های زندگی او را جابه جا نکند، او باید بیاموزد که چه اندازه از مالش را برای چه کاری هزینه کرد، او باید بیاموزد که چه اندازه از مال به دست آورده را پس انداز کرده و به عنوان سرمایه روزهای تنگ و سخت قرار دهد، او باید بیاموزد که چگونه از سرمایه های خویش بهره ببرد. همه این چگونه ها، در تربیت اقتصادی باید پاسخ داده شود تا این متربی خود بتواند زندگی خوبی را تجربه کند و اقتصادی سالم را نیز در جامعه پرورش دهد.

۴. تربیت عبادی

تربیت عبادی بخش عملی تربیت اعتقادی است. برخی از اعتقادات منجر به رفتارهای دینی می شود که لازم است متربی برای این نوع از تربیت نیز پرورش یابد. در این نوع تربیتی، مریبان بر آن هستند که در او انگیزه عبادت و پرستش پدید آید و پس از مدتی او با ذوق و شوق، این اعمال عبادی را انجام دهد. عبادت ابعاد مختلفی می تواند داشته باشد که منظور در این سخن ما می تواند هر دو باشد: هم اعمال عبادی که در دین بدان اشاره شده است را به درستی انجام دهد و هم اعمال خود را با نیت الهی انجام دهد، بدین معنا که در انجام هر عملی از اعمال خود، به الهی کردن نیت خود همت ورزد و از ناخالص شدن آن به نیتی غیر الهی دوری کند.

۵. تربیت سیاسی

از ملزومات تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی است. شخصی که در جامعه ای زندگی می کند، باید رابطه خود را با حاکمان آن جامعه مشخص کند. آیا در جامعه ای که زیست می کند، حاکمانی عادل وجود دارند یا خیر؟ تربیت سیاسی به انسان، راه حل تعامل را با حاکمان و والیان امر جامعه مشخص می کند. او در این نوع تربیت می آموزد احزاب سیاسی را به درستی تحلیل کند، با خطر قرمزهای سیاست آشنا می شود، می آموزد برای اینکه یک سیاستمدار باشد، چگونه رفتار کند؟ می آموزد که چگونه اخبار سیاسی را تحلیل کند، می آموزد که نسبت به مظلومان در عالم موضوع گیری داشته باشد، می آموزد که سیاست می تواند ابزاری در راه خدمت به مردمش باشد، می آموزد که با کدام جریان ها باید هم نوایی و هم سوئی داشته باشد و کدام یک از جریان ها دوری کند.

مهم ترین عاملی که باعث می شود جوانان یک کشور نتوانند به درستی در جامعه فعالیت های سیاسی کنند و احساسات بر اندیشه های ایشان حاکم باشد، همین عدم تربیت سیاسی است. از همین روی برای داشتن یک جامعه سالم باید تربیت سیاسی در جامعه نهادینه شود.

۶. تربیت عقلانی

یکی از گونه های مهم تربیت، تربیت عقلانی است. کودکی که عقل او به درستی رشد کرده باشد، می تواند به شناخت ها و باورهای درست برسد.

در خطبه یک نهج البلاغه از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: « فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ ؛ لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ ، وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ ، وَ يَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ ، وَ يُثِيروا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ ، وَ يُرُوهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ؛ پس خداوند رسولان خود را در میان آنان برانگیخت و پیامبرانش را پیاپی سوی ایشان فرستاد، تا از آنان بخواهند عهد الهی را که در فطرتشان نهاده است، بگزارند و نعمت فراموش شده او را به یادشان آورند و با رساندن پیام الهی حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه های خردهایشان را بیرون آورند و نشانه های قدرت [خدا] را به آنها نشان دهند.» این روایت نشان دهنده آن است که یکی از اهداف فرستادن انبیا از سوی خدای متعال به سوی انسان ها، رشد عقلی ایشان است.

انسانی که عقلش به درستی رشد کرده باشد، در مقابل دستورات و اوامر شهوانی، مقاومت بیشتری از خود نشان می دهد. عقل رشد یافته به راحتی اجازه نمی دهد صاحبش اسیر شهوات و شهوانیات شود. از همین روی در روایت از عقل به امام باطن تعبیر شده است که انسان باید از آن تبعیت و پیروی کند.

ابتدایی ترین راه تربیت عقلانی این است که فرد را به تفکر در مورد محیط پیرامون خود دعوت کنید. از متری خواسته شود که چرایی کارها و رفتارهای خود را توضیح دهد. از او خواسته شود با نگاه فیلسوفانه به اطراف خود بنگرد. سعی کند از هر موضوعی به راحتی نگذرد.

در این میان صبر و شکیبایی مریبان نیز باید مورد توجه قرار گیرد. مربی ای که می خواهد متری عاقل داشته باشد، باید در مقابل سئوالات و پرسش های او شکیبایی به خرج دهد. سعی کند برای سئوالات او پاسخ های مناسب با سن و جنس او بدهد. او را منع از پرسیدن نکند و به سئوالات او احترام بگذارد. اگر خود جواب سئوالات را نمی

داند، او را به سمت کسانی که آن را می دانند راهنمایی کند یا کتاب و مقالاتی را در این موارد به او معرفی کند.

۷. تربیت بدنی

توجه به جسم، یکی از سفارشات دین است. پیامبراسلام (صلی الله علیه وآله) در این مورد می فرماید: «المؤمن القوی خیر و أحبُّ إلى الله من المؤمن الضعیف؛ مؤمن نیرومند نزد خداوند بهتر و محبوب تر است از مؤمن ضعیف. داشتن یک جسم خوب می تواند یک روح خوب را همراهی کند. بدنی که سلامت جسم نداشته باشد به راحتی نمی تواند تن به عبادت و اعمال عبادی بدهد. از همین روی لازم است انسان، فعالیت هایی را که بر قوت جسمی او می افزاید را در برنامه روزانه خود قرار دهد.

یک مربی خود در کنار توجه به روح متربی خود، جسم او را مورد توجه قرار می دهد و هر آنچه که باعث آسیب و آزار رسیدن به آن می شود، را به متربی تذکر بدهد و برنامه هایی برای رشد جسمی او تدوین کند. تربیت بدنی مناسب، تربیتی است که در کنار تغذیه مناسب و درست شکل می گیرد. تغذیه درست و مناسب بر اساس نیازهای جسم، می تواند به قوت بدن و طاقت او بیفزاید. در کتاب های عرفانی دیده می شود که برخی سفارشات را در مورد تغذیه بیان داشته اند که نشان از آن دارد که بدن به مانند اسبی است که روح بر آن سوار است. اگر این اسب به درستی سواره خود را همراهی نکند، سواره را در نیمه راه می گذارد. دقیقاً جسم به مانند همین اسب است و سواره روح است که اگر جسم با روح همراهی نکند، تعالی برای او امکان پذیر نیست.

۸. تربیت اخلاقی

انسانی می تواند در جامعه فردی مقبول واقع شود که خود را ملزم به رعایت اخلاق بداند. گزاره های اخلاقی، گزاره هایی هستند که بر اساس هست ها و نیست ها پدید می آید. گزاره هایی هستند که حسن و قبح را تبیین می کنند و انسان را ملزم به رعایت آن می دانند. انسانی اخلاقی است که این گزاره های اخلاقی را به درستی بشناسد و قدم در

راه عمل به خوبی های آن و دوری از بدی های آن بگذارد. صرف دانستن گزاره های اخلاقی یک شخص را اخلاقی نمی کند و آنچه در این میان مهمست، عمل به خوبی ها و اجتناب از بدی هاست .

یک مربی اخلاقی، خود خوبی ها و بدی ها را می شناسد و سعی بر این دارد که مرتبی خود را به رفتارهای اخلاقی خود به سمت خوبی ها سوق دهد. یک مرتبی اخلاق، بیش از آنکه به سخنان و سفارشات اخلاقی مربی خود توجه داشته باشد، به رفتارهای او می نگرد و از طریق رفتارهای اوست که می آموزد خوبی ها را عمل کند و از بدی ها دوری کند.

تعریف عملیاتی از برنامه ریزی درسی (قلمروهای برنامه ریزی درسی)
به طور کلی برنامه ریزی درسی به آن حوزه علمی اشاره می کند که مشتمل بر قلمرهای زیر است:

۱- مبانی برنامه ریزی درسی: منظور از مبانی برنامه ریزی درسی آن دسته از نیروهای بنیادی و اساسی است که بر برنامه های درسی، اهداف و محتوای آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه ریزی درسی از آن تحت عنوان عوامل تعیین کننده برنامه درسی نام برده می شود.

الف) مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی: منظور از مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف برنامه درسی و تعیین وسایل و ملزومات اثر می گذارد. فلسفه ی مسلط اجتماعی د حقیقت جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت است. فلسفه ی تعلیم و تربیت اعتقاد برنامه ریز به یکی از مکاتب فلسفی ذیربط، به شدت جهت گیری برنامه درسی را متفاوت می سازد. مبانی فلسفی، نقش پالایشگری اهداف و مقاصد برنامه درسی را نیز برعهده دارد.

ب) مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه ریزی درسی: فلسفه ی اصلی تأسیس مدارس و پاگیری نظام آموزش مدرسه ای د رگسترده ترین برداشت خود عبارت است انتقال،

توسعه و بهسازی میراث فرهنگی، بنابراین بدیهی است که ارزش های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اثر قاطعی بر برنامه های درسی و فرایند تدوین آن ها داشته باشد. ارزش های اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان پالایشگر اهداف و مقاصد برنامه درسی، نقش مهمی را در فرایند برنامه ریزی ایفا می نمایند و هم از اینروست که مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه ریزی درسی یکی از قلمروهای مهم این رشته به شمار می رود.

ج) مبانی روانشناختی برنامه درسی: روانشناسی به عنوان یک رشته علمی، یافته ها و رهنمودهای بسیاری برای برنامه ریزان به ارمغان آورده است. در برنامه ریزی درسی، فرایند تدوین طرح و اجرای برنامه ها تا حد زیادی نیازمند کاربست یافته های روانشناسی است. اهداف و محتوای برنامه های درسی باید با توجه به میزان رشد ذهنی یادگیرندگان، مدت زمان لازم برای یادگیری و نیز با توجه به توانایی ها و محدودیت های افراد انسانی، متناسب با تفاوت های فردی و... استخراج و تنظیم گردند.

۲- فعالیت های فنی برنامه ریزی درسی یا مهندسی برنامه ی درسی:

مجموعه ای از فعالیت های سه گانه، طراحی برنامه ی درسی، ساخت برنامه ی درسی، و تدوین برنامه ی درسی می باشد.

الف) تدوین برنامه ی درسی: تدوین برنامه ی درسی به فرایند نظم و ترتیب و تعیین توالی و تقدم و تأخر عناصر برنامه ی درسی اشاره دارد. در این زمینه سؤالاتی نظیر این که چه کسی باید در برنامه ریزی درسی مشارکت کند (معلم، دانش آموز و...)، از چه روش هایی باید برای ساخت برنامه ی درسی استفاده نمود و... مطرح می شود.

ب) طراحی برنامه ی درسی: به فرایند مشخص کردن عناصر برنامه ی درسی و گنجاندن آن ها در برنامه اشاره می کند. عناصری که می توانند در برنامه ی درسی گنجانده شود عبارتند از: اهداف و مقاصد. محتوا یا موضوعات درسی، فعالیت ها و تجربیات

یادگیری، روش تدریس، اجرا و ارزشیابی. علاوه بر این در طرح برنامه ی درسی درباره ی سازماندهی و الگوی مناسب آن برای برنامه ی درسی بحث می شود.

ج) ساخت برنامه ی درسی: فرایند ساخت برنامه ی درسی ناظر است بر فرایند تعیین ماهیت مؤلفه ها و عناصر برنامه ی درسی، به عبارت دیگر تصمیم گیری درباره ی ایجاد و تکوین عناصر برنامه ی درسی را ساخت برنامه ی درسی می نامیم.

۳- اجرای برنامه ی درسی:

یکی دیگر از زقلمروهای برنامه ریزی درسی، اجرای برنامه است، در بحث از اجرای برنامه ی درسی، (که عموماً " فرایند کاربست برنامه هایی است که قبلاً" طراحی، ساخته و تدوین گردیده اند) سه نظام مد نظر قرار می گیرد.

الف) نظام اجرایی مؤمنانه یا وفادارانه: که در آن برنامه هی درسی تدوین شده باید توسط معلمان و مجریان آموزشی به مرحله ی اجرا در آیند. در این نظام از آنجا که برنامه ها توسط یک ستاد در سطح کشور و یا استان تدوین می گرد و موفقیت اجرای برنامه های درسی در رگرو اجرای دقیق و مطابق نقشه ی از پیش تعیین شده است، به آن نظام مؤمنانه گویند. از طرف دیگر از آن جا که معلم نمی تواند و نباید هیچ گونه دخل و تصرفی در برنامه های درسی، مطابق با ویژگی ها و مختصات دانش آموزان خویش اعمال نماید به آن نظام اجرایی ضد معلم نیز گفته می شود.

ب) نظام اجرایی نیمه سازگاران: در این نظام ، اجرای برنامه های درسی مطابق فرمول و نقشه ی از قبل تهیه شده ای که توسط ستاد برنامه ریزی تدارک دیده شده باشد، مد نظر است. اما معلم می تواند تا اندازه ای برنامه های درسی را با ویژگی کلاس درس خود سازگار نماید. به این نظام اجرایی برنامه ی درسی، نظام سازگاری محدود یا معلم در مقام مجری فعال نیز گفته می شود.

ج) نظام اجرایی سازگاران: در این نظام ، معلم نه تنها می تواند برنامه های درسی را با ویژگی های دانش آموزان خود نظیر، جنس، علایق، توانایی و ... سازگار نماید، بلکه در

رشد گسترده خود، معلم می تواند تدوین کننده ی برنامه ی درسی نیز باشد. در حقیقت نظام برنامه ریزی سازگاران، همان نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور است. این نظام دارای دو شکل کلی است. الف) نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور محدود: که در آن معلم از میان برنامه های درسی متعددی که توسط مراکز برنامه ریزی درسی کشور یا استان از قبل تهیه شده است، متناسب با توان یادگیرندگان و سایر ویژگی های آنان دست به انتخاب می زند. ب) نظام برنامه ریزی درسی مدرسه محور گسترده: که در آن معلم خود به طرای، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی می پردازد.

۴- تغییر برنامه ی درسی:

اگر برنامه ی درسی را مشتمل بر مسائلی نظیر فلسفه ی تعلیم و تربیت، ارزش ها، اهداف، ساختارهای سازمانی، تجارب یادگیرندگان، نتایج یادگیری و نحوه ی ارزشیابی آن ها بدانیم، می توانیم تغییر برنامه ی درسی را به عنوان هر گونه تغییری که در جنبه های فوق الذکر به وجود می آید تعریف نمائیم.

الف) مفهوم شناسی تغییر: یکی از مسائل مهم در بحث تغییر برنامه ی درسی، مفاهیم گوناگونی است که توسط صاحب نظران و متخصصان بکار برده می شود. مفاهیمی نظیر تغییر، بهبود، نو آوری، اصلاح، و جنبش از مهم ترین مفاهیمی هستند که غالباً به طور مترادف به کار برده می شوند اما هر کدام از آن ها دارای معنای متفاوتی می باشند. بهبود از نظر هیلد: بهبود برنامه ی درسی به معنای تغییر جنبه های مشخصی از برنامه بدون تغییر دادن فرضیات بنیادی و نحوه ی سازماندهی برنامه است.

تغییر برنامه ی درسی: مفهوم بسیار کلی است که به هر تغییری که در آموزش یا محیط آموزشی به وجود آید، اشاره می کند.

نو آوری: اگر چه مفهوم تغییر برنامه ی درسی برای تغییرات ویژه و خاص نیز به کار می رود اما تغییرات ویژه را اغلب نو آوری می گویند <نو آوری ها دارای مرزهای دقیق و